

سه‌م روزنامه «قانون» در بیداری مردم ایران

سید غلام نبی احمد*

قرن نوزدهم میلادی به عنوان دوره نوآوری و ملی‌گرایی و بیداری در جهان به شمار می‌رود که در طی آن در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و ادبی و فرهنگی تحولات گوناگون رخ نمود. این نهضت‌ها که از روح و قلب یک ملت ستم‌دیده سرچشمه گرفته بود، چنان رستاخیز بزرگی در دنیا برپا کرد و توفانی بی‌نظیر به وجود آورد که مشعل راه کشورهای دیگر گردید. ایران نیز که در این دوره دستخوش بحرانهای مختلف سیاسی و اجتماعی بود نتوانست از این انقلاب و جنبش‌های گوناگون در کشورهای دور و بر خود چشم‌پوشد و سرانجام ملت ایران که تحت حکومت استبدادی و استعماری پادشاهان وقت زیر بار فقر و فلاکت به سر می‌برد، از خواب غفلت بیدار شد. نویسندگان چیره‌دست و سخنوران برجسته و دانشمندان و دانشوران بلند پایه و تجدیدطلبان شامخی ظهور کردند که در پرداختن و کاشتن تخم‌آزادی و اندیشه‌های بیداری در دل مردم ایران سهم گرانمایه داشتند.

روزنامه‌های چاپ ایران به علت احتیاق و سیستم شاهنشاهی که رواج داشت امکان نداشت که حقایق تلخ روزگار را منعکس بسازند. به همین جهت بود که بسیاری از روشنفکران و آزادیخواهان ایرانی از کشور خودشان دست به فرار زده در کشورهای دیگر اقامت گزیدند و با انتشار روزنامه‌ها در ساختن اذهان توده مردم ایران به کارهای فوق‌العاده پرداختند. میرزا ملکم خان که در آن دوره بعد از عزل از سفارت در لندن به سر می‌برد از طریق روزنامه‌اش به نام «قانون» اهمیت قانون و عدالت اجتماعی را

* استادیار فارسی دانشگاه لکهنو. لکهنو.

به مردم خاطر نشان کرد. مقالات آتشین و انقلاب آفرین این روزنامه‌نگار سرشناس در هموارسازی راه برای افکار نوگرایی و تجدیدخواهی و عدالت‌جویی و اجتماعی و سیاسی خیلی مؤثر افتاد که با وجود قدغن شدن ورودان به ایران از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار شد. روزنامه قانون ملکم خان آیینی‌ای است که در آن حقایق تلخ و فاجعه‌آمیز آن زمان ایران را می‌توان مشاهده و بررسی نمود.

چنان‌که اشاره کردم این روزنامه تحت مدیریت و سرپرستی میرزا ملکم خان در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰/رجب ۱۳۰۷ هجری در لندن به صورت ماهیانه انتشار یافت که فقط شماره اول ۸ صفحه بود، بقیه تمام شماره‌ها ۴ صفحه داشت. در هر شماره به روی صفحه اول اسم روزنامه و سه کلمه «اتفاق، عدالت، ترقی» به چشم می‌خورد و زیر این کلمات نشانی روزنامه «محل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمرة ۳۸ در لندن» به نظر می‌رسد. اما در شماره‌های بعدی شد. این روشن نیست روزنامه تا چند سال ادامه داشت، زیرا که بعد از شماره هفتم تاریخ انتشار نوشته نشده است. خاورشناس معروف ادوارد براون نوشته است که در مدت سه و نیم سال به صورت ماهیانه منتشر می‌شد. در مورد تعداد شماره‌ها هم بین پژوهشگران و نویسندگان اختلاف است. طبق گفته محمود تقیسی چهل و دو شماره منتشر شده است.^۱ اسماعیل رابین نوشته است که چهل و پنج شماره چاپ شد.^۲ بنا به گفته براون چهل و یک شماره این روزنامه وجود دارد.^۳ هما ناطق چهل و یک شماره را گردآورده و به اضافه مقدمه به چاپ رسانده است. در مورد شماره‌های ۱۲، ۱۳، ۳۲ و ۳۳ که به دستش نیامد نوشته است که ملاحظه بشود^۴ به نظر می‌آید که برخی از این شماره‌ها اساساً منتشر نشده باشد و ملکم به جای این شماره‌ها برخی از مقالات خود مانند ندای

عدالت و غیره را انتشار داده باشد که با ضمیمه روزنامه قانون یافتیم.^۵ علامه محمد قزوینی نیز در نامه‌ای به تقی‌زاده به کم‌بودن شماره‌های مزبور اشاره کرده است.^۶ عبدالحمید نوایی راجع به مندرجات و مطالب روزنامه قانون و مدیر آن ملکم خان عقیده خود را بدین قرار ابراز نموده است:

«از حق نباید گذشت که مطالب روزنامه قانون سخت در اذهان مردم مؤثر واقع شد و پایه تخت استبداد ناصرالدین شاه را لرزاند. مطالب این روزنامه بسیار ساده و روان و عبارت بود از حملات سخت به وضع استبدادی عجیب و وقایع دربار سلطنتی ایران و تجاوزاتی که کارگزاران دولت به نام دربار و شاه و صدر اعظم انجام می‌دادند. چون این سبک تحریر تا آن وقت سابقه نداشت، مردم رغبتی به خواندن آن ابراز کردند و چون دیدند که مطالبی برخلاف شاه و دربار و عمال دولت نوشته، این افسانه که شاه سایه خداست و امرش واجب‌الاطاعة است از ذهن آنان بیرون رفت و همین مقدمه‌ای شد برای جنبش مشروطه و ازگون ساختن کاخ استبداد»^۷.

روزنامه قانون علمبردار نهضت ضد استبداد و دیکتاتوری شاه ایران بود و مبلغ اندیشه‌های آزادی‌خواهی بود. ادوارد براون در مورد روزنامه و مدیرش احساسات و عواطف خویش را با این عبارت مطرح می‌نماید:

«قانون در سایه اسلوب بیان و شیوة کلام میرزا ملکم خان که در زبان فارسی عظیم‌النظیر بود، بهترین روزنامه فارسی گشت و از لحاظ نتایج حاصله و تأثیرات حادثه‌دارای مقام و موقعیت تاریخی مهمی در نهضت بیداری ایران می‌باشد»^۸.

دوباره روش نویسندگی و طرز تحریر و فصاحت و سلاست قانون روزنامه

صورت اسرافیل چنین ارزیابی می‌کند:

۱. همان‌طور: گردآورنده روزنامه قانون، مقدمه، ص ۴.
 ۲. نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، ص ۱۲۴.
 ۳. عبدالحمید نوایی: مجله یادگار، رکت، تاریخ جراید و مجلات ایران، از صدر هاشمی، ج ۲، ص ۹۶-۷.
 ۴. براون، ای‌جی: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۲، ص ۱۴۷.
 ۵. همان‌طور: گردآورنده روزنامه قانون، مقدمه، ص ۴.

۱. براون، ای‌جی: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ترجمه محمد عباسی (فارسی)، ج ۲، ص ۱۴۴-۴۵.

۲. محمود تقیسی: تاریخچه مطبوعات ایران، ص ۱۸۷.

۳. اسماعیل رابین: میرزا ملکم خان و زندگانی و کوششهای سیاسی او، ص ۱۱۲.

۴. براون، ای‌جی: تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، ج ۲، ص ۱۴۴-۵.

همچون کسی این جریده را خوانده می‌داند که از صدر اسلام تا به حال به زبان فارسی، هیچ‌کس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ نگذاشته است.^۱

سر تا سر روزنامه قانون، چنان‌که از نام و عنوانش پیدا و هویداست، بیانگر و نشانگر شعارهای بیداری و عدالت‌جویی و اندیشه‌های سیاسی و نیز آزادی‌زنان است و تصویری ماهرانه از اوضاع و احوال ایران را بازناب می‌کند. طبق نظر فرشته نورایی: "مخاطب قانون همه طبقات اجتماع است و سبک آن خیلی ساده و روشن و گیرا می‌باشد. دایره مطالب قانون نسبتاً محدود است و از سه موضوع اصلی بحث می‌کند. انتقاد از نظام حکومت، لزوم اصلاح حکمرانی و ایجاد عدالت قانونی، تعلیمات حزبی و دعوت مردم به اتحاد و اتفاق و قانون‌طلبی. گذشته از این مسایل کلی، قانون چند نکته اساسی را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. یکی موضوع جلب حمایت طبقه روحانی در پیشبرد هدفهای ملی است و موضوع دیگر توجه قانون به حقوق اجتماعی زنان است که از مترقی‌ترین جنبه‌های آن به شمار می‌رود."^۲

مقالات و مندرجات آنتین و هیجان‌انگیز و سرشار از احساسات و عواطف میهن‌دوستی و وطن‌پرستی در این روزنامه به چاپ می‌رسید که یک موج بیداری و مشروطیت‌خواهی به وجود آورد و سراسر ایران را فراگرفت. میرزا ملکم خان یکی از طرفداران و حامیان دادگاه و قانون بود و در اولین سرمقاله قانون راجع به تأسیس این روزنامه توضیح داده است.^۳

نیز در جای دیگر از همین شماره اوضاع و احوال ایران را به الفاظ تند و تلخ بیان و مطرح نموده است که بی‌عدالتی و بی‌راه رویها و ناسامانی‌ها و ناخوشندی‌های ایران آن زمان را منعکس می‌سازد که هیچ دستوری و رسمی دولتی مخصوص و معین نشده

بود. به نظر وی ایران دارای همه نعمات خدا داد است، اما این نعمات و عطایا با عدم دادگستری و حقوق انسانی بی‌فایده و بی‌معنی است و نیز می‌گوید که برای فلاح و بهبود ملک و ملت قانون و دادگاه لازم است. مثلاً:

"ایران منلو است از نعمات خدا داد. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است. هیچ‌کس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون. سرتیپ موزول می‌کنیم بدون قانون. حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون. بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون. خزانه می‌بخشیم بدون قانون. شکم پاره می‌کنیم بدون قانون. در هند در پاریس در تقلیس در مصر در اسلامبول حتی در میان ترکمن هر کس می‌داند که حقوق و وظایق او چیست."^۴

چنان‌که اشاره شد در اواخر قرن نوزدهم میلادی بیشتر کشورهای جهان از ترقی و تحولاتی بهره‌ور شدند و قانون و عدالت در اجتماع فراهم گردید، اما ایران که فرهنگ و تمدن شایان کهنه دارد و در قرنهای دراز از توجه دنیا برخوردار بوده، از قانون و حقوق انسانی محروم و تهی دست ماند. ملکم خان در این مورد می‌نویسد:

"گویی که پیروز به وجود آمده‌اند همه صاحب قانون شده‌اند و ما که سه هزار سال است دولت هستیم و قرنهای دراز از مرکزهای ترقی دنیا بوده‌ایم، حالا در تحت این وزرای دولت‌پرور خود را به طوری دلیل ساخته‌ایم... نمی‌توانیم لفظ قانون را به زبان بیاوریم."^۵

ملکم خان بر اوضاع و احوال نامساعد مردم ایران اظهار تأسف کرده است و اشک خون‌آلود بر برگهای روزنامه قانون ریخته است. وی اوضاع کشورهای اروپایی را به طور مثال پیش می‌کشد که آنجا نه فقط حقوق انسانی بلکه حقوق بین‌الملل و پرندگان را هم هیچ‌کس نمی‌تواند پایمال بکند، اما در ایران احوال مردم نسبت

۱ روزنامه سوز اسوانلی، شماره پنجم.

۲ فرشته نورایی، تحقیق در افکار ملکم خان، ص ۱۸۷.

۳ روزنامه قانون، ش یکم، سال ۲۰، رجب ۱۳۰۷ هجری ۱۸۹۰ م.

۴ روزنامه قانون، ش ۱، سال ۲۰، رجب ۱۳۰۷ هجری ۱۸۹۰ م.

۵ روزنامه قانون، ش ۳، سال ۲۰، رمضان ۱۳۰۷ هجری ۱۸۹۰ م.

به جانوران اروپایی هم بدتر و خسته‌تر است و هیچ امنیتی و ضلالتی برای مال و متاع و عزت و آبرو نیست^۱.

اگرچه ناصرالدین شاه به دانسته خود در زمینه ترقی و تحولات اجتماعی و اصلاح اقتصادی سعی بسیار نمود، اما آن همه اقدام بدون قانون و نظم خاص ملکی، برای عموم بازآور و ثمربخش نگردید. راجع به اجرای قانون ملکم خان عقیده دارد که تشکیل یک مجلس شورای ملی لازم است و این مجلس باید مبنی بر حداقل صد نفر «تلا و محافل و باشویش و پاسواد باشد که اصول و قوانین ایرانی را بدون دخالت شاه و درباریان تعیین و مرتین بکنند»^۲.

در مورد تاریخ تابناک و گذشته درخشان ایران باید گفت که این سرزمین شاهان و فرمانروایان بی‌مثال مانند جمشید، نوشیروان یا محمود غزنوی و غیره، پهلوانان و قهرمانان نامور چون رستم و سهراب و اسفندیار و دیگوان، و دانشمندان و دانشوران برجسته مانند ابوالفضل بیهقی، امام غزالی، نصیرالدین طوسی، نظام‌الملک طوسی و بوعلی سینا و بسیار امثال آنان داشته و فیلسوفان بزرگوار مثل بیرونی و فلازی و صخر حیات و سخنوران نامدار چون فردوسی، سعدی، رومی و حافظ و غیره که از افکار و خیالات و علوم و فنون خودشان پرچم فرهنگ و تمدن ایرانی را در سوره‌های جهان افراشتند که نامت‌های فوقانی مرکز و محور دنیا به ویژه آسیا بود. اما غر او نیز قرن نوزدهم سیلادی ملک و ملت ایران پژمرده و خسته خاطر شد و رویه زوال گذاشته در این دوره تاریک و بدحالی شخصی ترقی‌خواه و قانون‌طلب، ملکم خان، گذشته درخستنده کشور ایران را نشان داده به توسط روزنامه قانون هموطنان را در جهت پیداری و هشدار برانگیخت^۳.

در این روزگار بیشتر کاروبار ملکی حتی نقاصی را هم به خارجیان واگذار کردند. سرانجام حکومت قاجاری این بار صحنه شد که از افغان‌ها شکست خورد و ناحیه

۱ روزنامه قانون، ش ۲، سال ۲۰، رمضان ۱۳۰۷، آذرماه ۱۸۹۰ م.

۲ روزنامه قانون، ش ۶، سال ۲۰، ذی‌الحجه ۱۳۰۷، هلاوتن ۱۸۹۰ م.

هرات را از دست داد. مغلوب انگلیس هم شد. طرف دیگر، روسیه هم منقذهایی از ایران را تحت تسلط خود آوردند. چنان‌که گفته شد، دخالت خارجیان نه فقط در امور بازرگانی و تجاری، بلکه در سیاست و کشورداری هم بسیار به چشم می‌خورد. می‌توان گفت که پادشاه ایران ناصرالدین شاه بازبچه‌ای در دست خارجیان بود. در مورد این حوادث روزگار در روزنامه قانون به لحن سخت انتقاد شده است^۱.

وقتی که قرارداد خرید و فروخت و تهیه توتون و تنباکو بین ایران و یک شرکت انگلیسی به نام «تالبوت» (رزی) به تاریخ ۲۱ مارس ۱۸۹۰ به امضا رسید، تحت این قرارداد کشاورزان ایرانی خیلی خسارت دیدند و انگلیسی‌ها از نظر مالیاتی خیلی نفع بردند. به این سبب در میان ایرانیان ناراحتی و نارضایتی بسیار پیدا شد و آنچه انقلاب و نهضت اول در تبریز و سپس به زودی در تمام حومه‌های ایران به صورت آتش روشن گشت که پای سلطنت ناصرالدین شاه لرزید. وزیران و رجال دولت ایرانی سرنگون شدند. بسیاری از نویسندگان و مورخان اعتقاد دارند که این حوادث بزرگ علل و عوامل پیدایش مشروطیت ایران بود. راجع به این قرارداد مدیر روزنامه قانون اندیشه‌های خود را بیان نموده ایرانیان را از نوظنه دولت آگاه ساخت^۲.

چنان‌که بارها گفته شده، در آن زمان اوضاع ایران در هر زمینه بدتر و وخیم‌تر شده بود. خرابی‌های این گونه از تاریخ باستان تا آن روزگار دیده نشده است. ایران که از دولت و ثروت خداداد ثریب بود، به فقر و فلاکت دچار شد. امنیت و حفظ مردم در هیچ شعبه و گوشه باقی نمانده بود. شرم و حیا از بین رفته بود و خوف دین و دنیا هم مفقود گشت. طبق نوشته قانون:

«این دولت ملت‌پرور ایران را مبدل کرده است به یک گداخانه. عدم امنیت از برای مردم هیچ کار باقی نگذاشته است. زراعت نمی‌تواند بکند به علت اینکه امنیت نیست. تجارت و کاسبی نمی‌تواند بکند به علت اینکه امنیت نیست. نوکری نمی‌تواند بکند به علت اینکه نه امنیت هست نه موجب ته آبرو نه دنیا

۱ روزنامه قانون، ش ۱۵، بدون تاریخ.

۲ روزنامه قانون، ش ۱۷، بدون تاریخ.

و نه آخرت. هنر مملکت‌داری امروز در ایران منحصر به این است که مردم را اینقدر فقیر و اینقدر احمق و اینقدر بی‌غیرت بکنند که هر قسم اسارت را متحمل بشوند بی آنکه قوه ناله‌داشته باشند. هیچ اغراق نخواهد بود هرگاه بگوییم از عهد کیومرث تا امروز ایران هرگز به این خرابی، به این حقارت و به این خاکساری نبوده است، چرا به عدت اینکه اولیای ما ناقابل هستند.^۱

روزنامه قانون فرمانروای وقت را از مشیران و عهده‌داران جهل و چاپلوس هشدار داده است، زیرا که دوره تاریک و سیاه سراسر ایران را مثل عقاب به چنگال خود گرفتار کرده است. آنان برای ملک و ملت مثل مارهای تملق و جانوران دولت‌خوار بودند که کشور ایران را به دریای فلاکت و نکبت غرق کرده‌اند. بنابراین برای اجرا و افزار قانون حکومت را تلقین و پیشنهاد می‌کند.^۲

روزنامه قانون به روحانیان هم مخاطب و متوجه است که حکومت وقت چطور ایرانیان را به لب فلاکت و بدبختی رسانده است و درباره این هرج و مرج و بی‌نظمی و بی‌قانونی می‌گوید که در جهان مثل ایران هیچ جای نیست که حقوق انسانی را پایمال و فنا کردند. هر نوع فلاکت و بیچارگی مثلاً فقر، قحطی، اسیری و زندان، ذلت و رسوایی در سراسر این کشور دامگیر شده است. حکام وقت تمام دارایی و مالیات دولت و اموال شخصی را غصب نمودند یا به دست خارجیان به آب ریختند. طیفه روحانیان که در آن روزگار بر مردم اثر و نفوذ بسیار داشت، روزنامه تمام تقصیرهای دولتی را آشکار نموده آنان را ترغیب به بیداری اجتماعی نمود.^۳

در آن زمان خودپسندی و خودخواهی بسیار در اجتماع ایران پیوسته و سرشته بود. ملکم خان به هدف اخراج این گرایش مضر قلم خویش را جنبش‌دهنده است. یقیناً آن روزگار غرض‌ورزی و بی‌اعتنایی و اختلافات داخلی در ایران اینقدر پراکنده بود که از رنجوری و درد و سرگردانی و نگرانی همسایه‌ها هیچ‌کس پروا و علاقه نداشت. به نظر

روزنامه موجب این خرابیها عدم قانون بود.^۱ نیز روزنامه قانون برای اتحاد و اتفاق بین مردم ایران سهیم بسزایی به عهده داشت و برای فراموشی هر نوع تفاوت طبقاتی، اجتماعی، منطقه‌ای و نسائی درس مهمی داد.^۲

روزنامه قانون جنبه اسلامی هم به عهده داشته است. به نظر روزنامه کلیه ترقی و پدیده تحولات در کتاب خدا (قرآن مجید) موجود است. مسلمانان باید آیین اسلام را پیروی کرده خودشان را اصلاح بنمایند. به انتظار دیگران نباید باشند. اولین وظیفه مسلمانان این است که همه توانایی و حوصله و حواس خود را جمع کرده به خاطر ترقی و پیشبرد ملک و ملت گام بزنند.^۳

در این روزنامه جایی دیگر گفته شده که آن همه مساوات و اتحاد و امیت و عدالت و حقوق که در اروپا به طور اصول فطری و افکار تازه در پیش گرفته‌اند، در حقیقت تمام این اصول در دین اسلام موجود است. فقط باید مسلمانان آیین و قوانین و فرامین اسلام را جدأ و مرتباً پیروی و عمل بنمایند.^۴

می‌بینیم که روزنامه قانون واقعاً به عنوان یکی از سرشناس‌ترین و ارزش‌مندترین روزنامه‌های فارسی محسوب می‌شود که از هر جهت و گوشه، پشتیبانی و تشویق وافر از آزادیخواهان و تجددطلبان نمود و اخگر انقلاب را هوای تازه بخشید و برای از بین بردن استبداد خشن و دیکتاتوری و ایجاد نظام حکومت مبتنی بر قانون اساسی و پیشرفت اندیشه‌های آزادیخواهی و هویت‌جویی و جنبش فکری اذهان مردم نقش اساسی ایفا نمود. به بیان دیگر می‌توان گفت که رهبر و نماینده آزادی و بیداری و یکی از ستونهای نهضت مشروطیت ایران بود.

منابع

۱. افشار، ایرج. روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب. انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۱ هـ.ش.
۲. افشار، ایرج (گردآورنده). نامه‌های تخریبی به نفس زاده. تهران.

۱ روزنامه قانون، ش ۲۵، بدون تاریخ
۲ همانجا
۳ روزنامه قانون، ش ۲۷، بدون تاریخ
۴ روزنامه قانون، ش ۳۸، بدون تاریخ

۱ روزنامه قانون، ش ۲۲، بدون تاریخ

۲ روزنامه قانون، ش ۳۳، بدون تاریخ

۳ روزنامه قانون، ش ۲۹، بدون تاریخ

۳. براون، ای. جی.: *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران*، ترجمه محمد عباس (فارسی)، انتشارات معرفت، تهران.
۴. رایین، اسماعیل: *میرزا ملکم خان و زندگانی و کوششهای سیاسی*، تهران.
۵. صباگردی مقدم، احمد: *راهنمای روزنامه‌های ایران*، تهیه و تنظیم کتابخانه ملی ایران.
۶. صلح جو، جهانگیر: *تاریخ مطبوعات در ایران و جهان*، تهران.
۷. طباطبایی، محیط: *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۸. گوپیل، کهن: *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۹. نفیسی، محمود: *تاریخچه مطبوعات ایران*، تهران.
۱۰. نورایی، فرشته: *تحقیق در افکار ملکم خان*، شرکت سهامی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۵۲ ه.ش.
۱۱. هاشمی، صدر: *تاریخ جراید و مجلات ایران*، انتشارات کمال، اصفهان، ۱۹۵۲ م.
۱۲. *روزنامه صور اسرافیل*، شماره پنجم.
۱۳. *روزنامه قانون*، شماره ۱، سال ۲۰، رجب ۱۳۰۷ ه/فوریه ۱۸۹۰ م.
۱۴. همان، شماره ۳، سال ۲۰، رمضان ۱۳۰۷ ه/آوریل ۱۸۹۰ م.
۱۵. همان، شماره ۶، سال ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ ه/ژوئن ۱۸۹۰ م.
۱۶. همان، شماره ۱۴، بدون تاریخ.
۱۷. همان، شماره ۱۵، بدون تاریخ.
۱۸. همان، شماره ۱۷، بدون تاریخ.
۱۹. همان، شماره ۲۲، بدون تاریخ.
۲۰. همان، شماره ۲۳، بدون تاریخ.
۲۱. همان، شماره ۲۴، بدون تاریخ.
۲۲. همان، شماره ۲۵، بدون تاریخ.
۲۳. همان، شماره ۲۷، بدون تاریخ.
۲۴. همان، شماره ۲۸، بدون تاریخ.